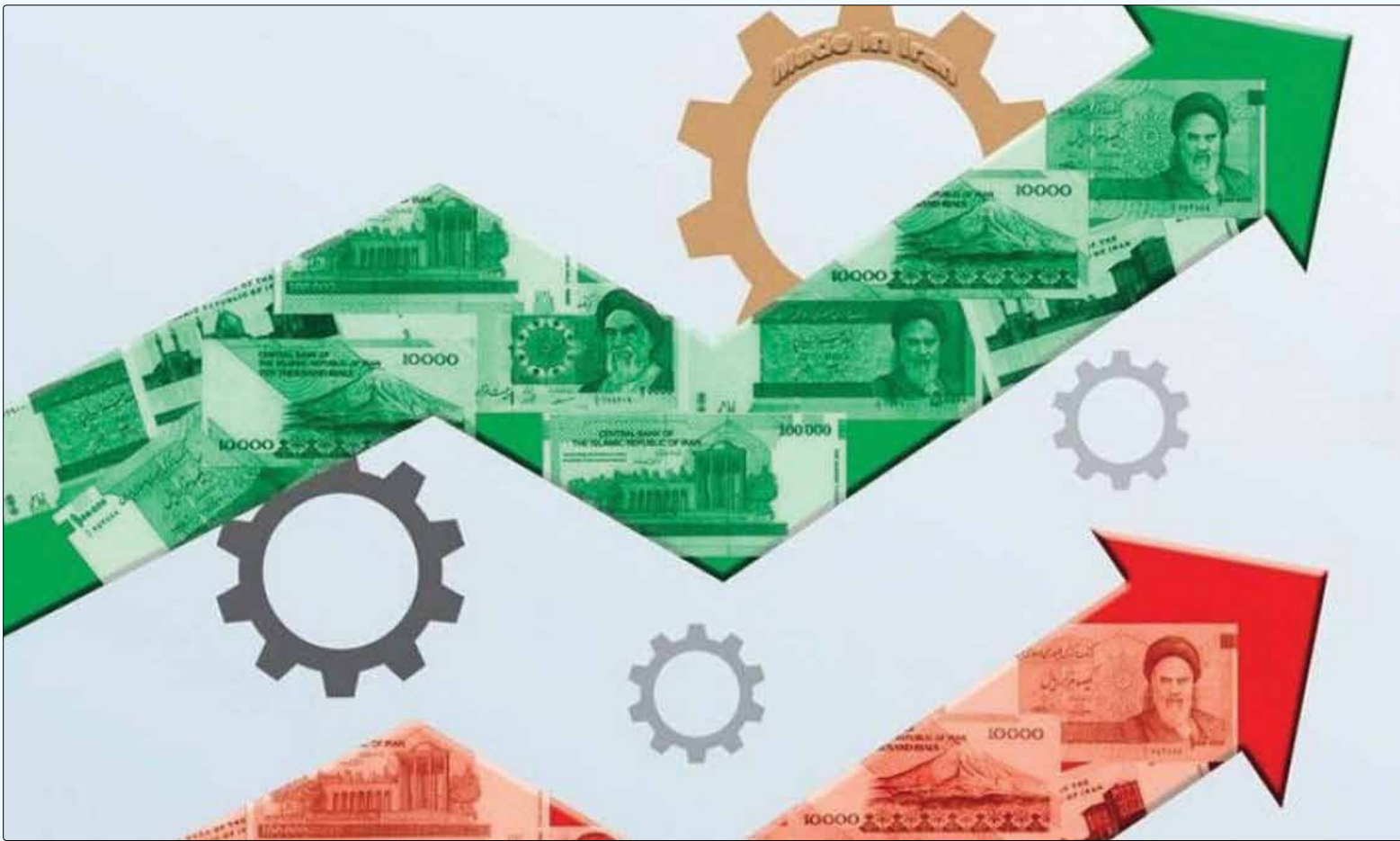


نسبت عدالت، کار آمدی و مشارکت مردم در اندیشه اقتصادی رهبر شهید

اقتصاد علیه انحصار، عدالت از مسیر مردم



گروه اقتصادی: اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر همواره در جنبه دوگانه‌ای فرسوده و تقابلی پرهزینه، میان «دولت‌گرایی افراطی» و «بازارگرایی لیبرال» محصور مانده است. واکاوی سیر تحولات ساختاری و تصمیم‌های کلان در نظام جمهوری اسلامی به روشنی حکایت از آن دارد که راهی از این تنگنا ضرورتی تمدنی و راهبردی به شمار می‌آید. از همین منظر، شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای با درک عمیق این بن‌بست تاریخی، کوششی بنیادین را در مسیر تحول فکری و سیاسی نسبت به این دوقطبی به کار بستند تا پیوندی نو میان حاکمیت، ثروت ملی و آحاد مردم برقرار سازند.

ریشه‌های تمرکزگرایی اقتصادی که از دوران پهلوی به ارث رسیده بود، در دهه نخست انقلاب به دلیل اختلالات جنگی و ضرورت‌های فوری تأمین معیشت، صبغی ایدئولوژیک به خود گرفت. با این حال، مطالعه دقیق و ژرفاندیشه در اندیشه اقتصادی شهید آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد ایشان از همان سال‌های ابتدایی مسوولیت در مسند ریاست جمهوری، مسیری متمایز را جست‌وجو می‌کردند: مسیری که نه در پی سپردن بی‌چون و چرای سرنوشت مردم به دست نامرئی بازار بود و نه به کارآمدی ماشین عظیم و سنگین دولت در مدیریت خرد معیشت مردم باور داشت.

مسئله اصلی فهم درست از جایگاه «مردم» در هندسه قدرت اقتصادی است. از این منظر، ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در نیمه دهه ۸۰ نقطه عطفی بود که بسیاری آن را به اشتباه خرخش به سمت با «خصوصی‌سازی به سبک بازار آزاد» و «واکاو کنیم»

■ **بن‌بست مدیریت دولتی و موتورهای خاموش**
تجربه زیسته مدیران و سیاست‌گذاران در دهه ۶۰ شمسی، گواهی بر یک تنش دائمی میان مدیریت متمرکز و بویایی بخش خصوصی بود. در آن سال‌ها، جریان در مدیریت اجرایی کشور معتمد بود. عدالت صرفاً از مجرای دولت و با انحصار کردن ابزارهای تولید در بد قدرت بروکراتیک حاصل می‌نمود. در مقابل، نگاهی که بعدها در ابلاغیه اصل ۴۴ تجلی یافت، بر این باور بود که دولت نباید رقیب بخش خصوصی و مردم باشد و در مقام یک هادی باید ایفای نقش کند.

رهبری شهید در تحلیل آن دوران، مثال دقیقی را در دیدار شهریور ۱۳۸۹ با رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت مطرح می‌کنند: مثالی که به تنهایی تبیین‌گر کل فلسفه اقتصادی ایشان است. ایشان اقتصاد را به موتور تشبیه می‌کنند که قله‌ت است باری سنگین را جابجا کند اما مدیران دولتی به جای آنکه پشت فرمان بنشینند و موتور را هدایت کنند، موتور را خاموش کرده، بار را بر دوش گرفته و با سختی بسیار در مسیر حرکت می‌کنند: «در آن سال‌ها دهه ۶۰ که آقایان همین‌طور روزبه‌روز به سمت غلیظ‌تر کردن اقتصاد دولتی می‌رفتند، من مثال می‌زنم و می‌گویم فرض کنید یک موتور است که می‌تواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می‌روید، یا خودتان پشت فرمان می‌نشینید و هدایتش می‌کنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه باری را که توی این واگن است، خودتان روی دوش گرفتید، هن و هن دراید جلوی می‌روید، همه نمی‌رسند، هم خسته می‌شوید، هم همه بار حمل نمی‌شود، هم این

موتور اینجا بیکار می‌ماند. این موتور، بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها می‌گفتیم، اثر هم نمی‌کرد. امام هر چه می‌گفتند به مردم بدهید، اینها می‌گفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست – مراد نظر امام را توجیه می‌کردند – مردم یعنی توده مردم، به توده مردم چه جوری می‌شود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را در دست بگیرد، به توده مردم کمک کند. فرمایش امام را اینجوری معنا می‌کردند: خب، این توجیه، غلط بود». این تصویر نشان‌دهنده یک حقیقت تلخ است: دولتی کردن افراطی، هم دولت را از نقش حاکمیتی و نظارتی خود باز می‌دارد و هم توان محرک بخش خصوصی و تعاونی را مستهلک می‌کند.

وقتی دولت متصدی فعالیت‌های خرد می‌شود، عملاً فضا برای فساد، بهره‌وری پایین، اسراف و بروکراسی فشرل مهیا می‌شود. در واقع حضور سنگین دولت در تصدی‌گری، به جای آنکه حلقه محرومان باشد به مانعی برای ورود استعدادهای مردمی به عرصه تولید تبدیل می‌شود.

■ **عدالت در کلون معماری جدید**
خطای راهبردی برخی تحلیل‌گران در داخل و خارج، این است که سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ را نسخه ایرانی «جامع‌واشنگتن» قلمداد کرده‌اند اما ترفی در بندهای این ابلاغیه، به‌وضوح نشان می‌دهد هدف از واگذاری‌ها، ایجاد قطب‌های بزرگ سرمایه‌داری رزتی نبوده است. واگرنه نظیر «گسترش مالکیت در سطح عموم»، «تأمین عدالت اجتماعی» و «ارتقای کاری»، نشان‌دهنده این است که برخلاف مدل‌های سرمایه‌داری کلاسیک، در اینجا هدف اصلی انباشت سرمایه در دست عده‌ای خاص نیست. در بند ۶-۲ ابلاغیه و همچنین در ذیل سیاست‌های بخش تعاونی،

به روشنی بر تشکیل «تعاونی‌های فراگیر ملی» برای تحت پوشش قرار دادن ۳ دهک اول جامعه تأکید شده است. همچنین سیاست‌های بند «ب» و نحوه مصارف حاصل از درآمدهای واگذاری، یعنی منطق واگذاری در اندیشه رهبری شهید، تابعی از منطق «عدالت اجتماعی»، «توسعه متوازن» و «فقرزدایی» است. ایشان فروردین ۱۴۰۱ در دیدار مسوولان نظام نیز صراحتاً بیان کردند راه درست این است که دولت به جای عهدداری بر اصلی اقتصاد، بستر مناسب و نقش هدایت‌گری را عهدداری شود: «بایستی به معنای واقعی کلمه اقتصاد کشور بیادری دوش مردم و دولت افقظ نقش ویژه دولتی خودش را ایفا کند و متصدی نباشد؛ این خیلی مهم است. یک وقت شما یک باری را روی دوش خودتان می‌گیرید، می‌خواهید پیاده با این مشکلات از این شهر به آن شهر ببرید، یک وقت را سوار یک وسیله نقلیه فعالی می‌کنید، خود شما هم رانندگی می‌کنید؛ این دومی درست است. وسیله نقلیه فعال، فعالان اقتصادی کشور هستند؛ اینها افعال کنید، منتها به کارشان نظارت کنید، سیاست‌گذاری کنید، مراقبت کنید خطایی پیش نیاید، اشتباهی پیش نیاید اما بگذارید کار کنند؛ هم آنها سود می‌برند، هم مردم استفاده می‌کنند، هم شما سود می‌برید به عنوان مسوولان دولت».

بنابراین، برخلاف اقتصاد بازار آزاد که در آن دولت وظیفه خود را صرفاً صیانت از حقوق مالکیت می‌داند به مکتب‌های خود کار بازار و سرمایه انگفا می‌کند، در طرح اقتصادی منظر شهید آیت‌الله خامنه‌ای، دولت مسوولیت سنگین «توانمندسازی» بخش‌های ضعیف‌تر جامعه و هدایت سرمایه‌های مردمی و دولتی بر مبنای عدالت به سمت توسعه متوازن را بر عهده دارد. استفاده

از ۳۰ درصد درآمدهای واگذاری برای فقرزدایی و اختصاصی مبالغی برای توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته (طبق بند د ابلاغیه)، سندی است بر اینکه روح این ابلاغیه، ضد انحصاری و عدالت‌محور است.

■ **تعاون به مثابه رکن اصیل اقتصاد مردم‌دوخت**
یکی از نقاط متمایز و بدیع در طرح اقتصادی رهبری شهید که غالباً از سوی هر ۲ جناح اقتصادی دولت‌گرا و بازارگرا نادیده گرفته شده، جایگاه محوری «بخش تعاونی» است. در مدل‌های لیبرال و اقتصاد آزاد، تعاون اغلب به عنوان یک بخش حاشیه‌ای یا حمایتی نگرسته می‌شود اما در ابلاغیه اصل ۴۴، هدف‌گذاری برای رسیدن سهم تعاون به ۲۵ درصد از اقتصاد کشور، نشان‌دهنده یک نگاه راهبردی به «هالکت جمعیتی» است.

حمایت از تشکیل بانک توسعه تعاون، ایجاد تخفیف‌های مالیاتی برای تعاونی‌ها و رفع محدودیت از حضور آنها در بانکداری و بیمه، همگی نشان از تلاش برای خلق ساختاری دارند که در آن نه ثروت بی‌حساب دست یک فرد جمع شود و نه دولت کنترل همه‌جانبه داشته باشد. تعاون در اینجا، بل میان عدالت و کارایی است. این ساختار اجازه می‌دهد «سرمایه‌های اندک مردم» جمع شده و در خدمت تولید ملی قرار گیرد. مردم در اداره اقتصادی کشور نقش فعال و مسوولانه داشته باشند و از حیث هدایت امور سیاسی و اقتصادی حاشیه تلقی نشوند.

در واقع گرایش‌های مکرر ایشان از روند اجرای اصل ۴۴، عمدتاً متوجه این بخش بوده است. رهبری شهید در دیدار با مردم قم در دی‌ماه ۱۴۰۲، ضمن اشاره به اینکه برخی واگذاری‌ها به فساد منجر شده، ریشه اصلی در عدم حضور واقعی مردم می‌بینند. از نظر ایشان،



روایت تلخ یک شب فراموش‌نشده برای فوتبال ایران

سرت را بالا بگیر

■ **همه علیه ایران**
هم‌زمان نگاه‌ها به مسابقه غنا-کرواسی دوخته شده بود. بسبب بسیاری امیدوار بودند تیم کارلوس

دروازه ۲ بار مانع گلزنی شد و در اوپسین لحظات نیز شجاع خلیل‌زاده توپ را وارد دروازه کرد؛ گلی که می‌توانست حکم صعود مستقیم را امضا کند اما بررسی تصاویر VAR نشان داد تنها ۲ سانتی‌متر اختلاف، رویای صعود را از تیم ملی گرفت. از همان لحظه، دیگر سرنوشت ایران در اختیار خودش نبود.

■ **آغاز کابوس**
فرمول صعود پیچیده نبود. تنها کافی بود یکی از ۳ نتیجه مورد انتظار رقم بخورد؛ یا از پاکستان برابر جمهوری دموکراتیک کنگو امتیاز بگیرد، یا غنا بتواند کرواسی را متوقف کند، یا مسابقه الجزایر – اتریش برنده داشته باشد. وقوع فقط یکی از این سناریو برای صعود ایران کافی بود اما انگار همه چیز دست به دست هم داده بود تا این اتفاق رخ ندهد. نخستین ضربه از دیدار ازبکستان و کنگو وارد شد؛ ازبک‌ها بازی را امیدوارکننده آغاز کردند و حتی زودتر از حریف به گل رسیدند اما نیمه دوم کاملاً متفاوت دنبال شد. کنگو در مدت کوتاهی نتیجه را برگرداند و در نهایت با پیروزی ۳ بر یک، نه تنها امید ایران را کمرنگ کرد بلکه خودش نیز جواز حضور در مرحله حذفی را به دست آورد.

تیم ملی فوتبال ایران با وجود اینکه تا اوپسین ثانیه‌های مرحله گروهی شانسی حضور در جمع ۳۲ تیم برتر

جام جهانی ۲۰۲۶ را حفظ کرده بود، در پایان شبی پر از اتفاقات عجیب، فرصت‌سوزی‌ها و نتایج غیرقابل پیش‌بینی، از گردونه مسابقات کنار رفت؛ حذفی که بدون تردید یکی از تلخ‌ترین پایان‌های تاریخ فوتبال ایران در جام‌های جهانی لقب خواهد گرفت. شاید سال‌ها بعد کمتر کسی نتیجه دیدار ایران و مصر را به خاطر داشته باشد اما همه از شبی خواهند گفت که فوتبال با بی‌رحم‌ترین چهره‌اش مقابل شاگردان امیرقلعه‌نوی ایستاد؛ مسابقه‌ای که هر لحظه آن می‌توانست مسیر تاریخ را تغییر دهد اما در نهایت، همه چیز برخلاف خواست فوتبال ایران رقم خورد. ایران برابر مصر بارها تا آستانه پیروزی پیش رفت. مهدی طارمی یک پنالتی را از دست داد، تیر



مهدی طاهر خانی

■ **اسباب‌شناسی انحراف و ضرورت جراحی دقیق**
یکی از درخشان‌ترین و در عین حال واقع‌گرایانه‌ترین بخش‌های سخنان رهبری شهید، اعتراف به نقص در اجراست. ایشان فروردین ۱۴۰۲، ضمن دفاع از اصل خصوصی‌سازی به عنوان تنها راه چاره برای جلوگیری از فساد و ناکارآمدی بنگاه‌های دولتی، تأکید کردند توقعاتی که از این فرآیند داشتند، هنوز کاملاً برآورده نشده است. نقد ایشان به این معنا نیست که اصل مسیر اشتباه بوده است. ایشان معتقد بودند بخش دولتی حتی زمانی که واگذار شده، باز هم به دلیل ساختارهای پنهان، از بازگرداندن ارز یا تبعیت از سیاست‌های کلان سر باز می‌زند. ایشان به درستی اشاره می‌کردند که حتی برخی از همان‌هایی که امروز دلار به بانک مرکزی نمی‌دهند، در واقع بنگاه‌های تحت‌مدیریت دولت یا شبه‌دولتی‌ها هستند. این نشان‌دهنده یک درک دقیق از لایه‌های زیرین اقتصاد ایران است؛ جایی که مدیریت دولتی، نقاب خصوصی بر چهره زده تا از زیر بار مسوولیت شانه خالی کند.

بنابراین، راهکار رهبری شهید نه بازگشت به عقب (دولتی‌سازی مجدد)، بلکه «نظارت دقیق‌تر» و «توانمندسازی واقعی» است. ایشان شهریور ۱۳۸۹ نیز خاطر نشان کردند اگر بخش خصوصی ناتوان است، سیاست‌ها باید به سمت قادر آنها برای پذیرش مسوولیت‌های بزرگ حرکت کنند، نه اینکه دولت دوباره به عرصه تصدی بازگردد.

■ **رهیافت تولید ثروت همگانی**
در فرجام این خواش از اندیشه راهبردی رهبر شهید، باید بر این نکته بافشاری کرد که طرح اقتصادی رهبری شهید، نوعی «اقتصاد مقاومتی مردمی» است که در آن، ثروت‌افزایی یک ارزش ملی محسوب می‌شود، منسرب بر آنکه از مجرای تولید بگذرد، نه سوداگری. ایشان در دیدار اردیبهشت ۱۴۰۳ با کارگران به روشی بیان کردند ورود مردم به میدان تولید، جیب کارگر را پر می‌کند و مشکلات اقتصادی را از بین می‌برد. این نگاه، کاملاً با منطق توزیع فقر (که در نگاه‌های سوسیالیستی ریشه دارد) و منطق انباشت تباربر (که در نگاه‌های اقتصاد آزاد ریشه دارد) متفاوت است.

اندیشه ایشان ترکیبی از «واقع‌گرایی اقتصادی» برای دستیابی به کارایی و «مان‌گرایی اسلامی» برای تحقق عدالت بود. ایشان ریشه بسیاری از ضعف‌ها و سختی‌های معیشتی را در «عدم حضور کافی مردم در صحنه اقتصاد» می‌دیدند. از نظر ایشان، هر جا مردم وارد شده‌اند (همانند دوران جنگ)، بن‌بست‌ها شکسته شده است.

می‌توان فهمید که راهبرد کلان نظام جمهوری اسلامی در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای، عبور از مدل‌های وارداتی و رسیدن به الگویی بومی است که در آن مردم عامل همه چیز در اقتصاد باشند. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ابزاری برای درهم‌شکستن انحصار بروکراتیک و جلوگیری از تولد قطب‌های مالی رانت‌جو است.

تحلیل دقیق ابلاغیه و بیانات ایشان، هرگونه برجسب «راست‌گرایی نئولیبرال» را از دامن این تفکر می‌زداید. توجه به دهک‌های پایین جامعه در درآمدهای حاصل از واگذاری، سهم ۲۵ درصدی تعاونی‌ها و تأکید بر عدم انحصار سرمایه در دست عده‌ای خاص، نشان می‌دهد عدالت اجتماعی، جوهر اصلی این تحول است. برای عبور از نوسانات کنونی و دستیابی به ثبات، راهی جز بازگشت به روح اصلی اصل ۴۴ وجود ندارد. یعنی باز کردن میدان برای فعالان مولد، نظارت قاطع دولت بر جریان‌های غیرمولد و هدایت سرمایه‌ها به سمت بخش‌هایی که توانایی جهش در تولید را دارند.

حذفی که ماند

با پایان مرحله گروهی، ایران با ۳ امتیاز در جدول تیم‌های سوم جایگاهی پایین‌تر از حد لازم به دست آورد و از ادامه مسابقات بازماند. جمهوری دموکراتیک کنگو، سوئد، اکوادور، غنا، بوسنی، الجزایر، پاراگوئه و سنگال به عنوان بهترین تیم‌های سوم راهی دور حذفی شدند و در کنار ایران، تیم‌های کره جنوبی، اسکاتلند و اروگوئه نیز با جام جهانی وداع کردند.

آنچه این حذف را درنکام می‌کند صرفاً ناکامی در صعود نیست، بلکه شیوه رخ دادن آن است. ایران تا آخرین ثانیه زنده بود، بارها به مرحله بعد رسید و دوباره حذف شد. یک پنالتی از دست رفت، یک افساسید میلی‌متری و یک گل در اوپسین لحظات، سرنوشت نسلی از بازیکنان را تغییر داد. جام جهانی برای شاگردان خوشحالی بحث به فوتبال هم می‌بخشد زد اما این خوشحالی بحث زمین شده بود، دقیقه ۹۰+۶ با یک ضربه دقیق دروازه الجزایر را باز کرد تا نتیجه ۳-۲ شود. همان گل کافی بود تا تمام معادلات تغییر کند و رؤیای صعود ایران درست در آخرین لحظه فرو بریزد.

نهایت بازی را واگذار کرد. دومین شانس ایران هم از بین رفت و حالا همه‌امیدها به آخرین مسابقه بود. دیدار الجزایر و اتریش از همان ابتدا پر از هیجان بود. مارکو آرنوویچ ابتدا اتریش را پیش انداخت اما الجزایر خیلی زود پاسخ داد. با آغاز نیمه دوم، مارسل سالیبیز دوباره اتریش را جلو انداخت اما ریاض محرز بار دیگر همه چیز را مساوی کرد. هر دقیقه که سپری می‌شد، اضطراب در میان هواداران ایران بیشتر می‌شد.

■ **۹۰+ ثانیه جنون**
بازی وارد وقت‌های تلف‌شده شد؛ جایی که همه چیز رنگ معجزه گرفت. ریاض محرز دقیقه ۹۰+۳ گل سوم الجزایر را به ثمر رساند؛ گلی که اگر تاسوت پایان حفظ می‌شد ایران راهی مرحله یک‌شانزدهم نهایی می‌کرد. شادی در میان هواداران ایرانی آغاز شده بود و بسیاری تصور می‌کردند بالاخره بحث به فوتبال هم می‌بخشد زد اما این خوشحالی بحث زمین شده بود، دقیقه ۹۰+۶ با یک ضربه دقیق دروازه الجزایر را باز کرد تا نتیجه ۳-۲ شود. همان گل کافی بود تا تمام معادلات تغییر کند و رؤیای صعود ایران درست در آخرین لحظه فرو بریزد.

تفاهمی به قیمت رژیم

که هر کدام به نوعی دشمن رژیم محسوب می‌شوند: «دور نگه داشتن اسرائیل از میز مذاکرات می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری این دیدگاه‌های منفی باشد، همچنین نقش آفرینی پاکستان و قطر که هر دو از منتقدان سرسخت اسرائیل به شمار می‌روند، در این توافق تنها به بدبینی‌های اسرائیلی دامن می‌زند. اگر هم ریزانی‌هایی میان تیم مذاکره‌کننده ایالات متحده و دولت اسرائیل شکل گرفته باشد، تاکنون فاش نشده است.»

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، این کنار گذاشته شدن رژیم از مذاکرات، می‌تواند تکرار الگوی رابطه با بریتانیا باشد:

«این مساله چندان غافلگیرکننده نیست. در طول جنگ دوم جهانی، ایالات متحده و بریتانیا نزدیک‌ترین متحدان و شرکای نظامی یکدیگر بودند اما هر چه جنگ به روزهای پایانی نزدیک شد، اختلافات عمیقی بر سر استراتژی نظامی در اروپا و مفاد صلح میان آنها بروز کرد. هر یک از ۲ کشور در پی تأمین منافع ملی خود بود؛ منافعی که در کوران درگیری‌ها بسیار بیشتر از دوران پس از جنگ با یکدیگر همپوشانی داشت. امروز نیز ممکن است همین الگو در روابط ایالات متحده و اسرائیل در حال تکرار باشد». نکته بسیار مهم متن آن است که باید نسبت به واقعی بودن این اختلاف، بسیار هوشیار بود و نباید

آن را بزرگنمایی کرد، چون رژیم از نظر استراتژی هم‌راستا هستند: «می‌توان استدلال کرد شکاف میان مواضع واشنگتن و تل‌آویو آنقدرها هم که به نظر می‌رسد عمیق نیست، هر دو با برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران مخالفند و برای توقف آن دست به اقدام خواهند زد، هر دو خواهان لبنانی خارج از کنترل حزب‌الله هستند و هر دو می‌خواهند از تجدید قوای حماس جلوگیری کنند و در پی پایان دادن به سیطره آن بر نیمی از نوار غزه هستند. بنابراین به‌رغم اختلافات موجود در عرصه سیاست‌گذاری، اهداف بنیادین آمریکا و اسرائیل همچنان هم‌راستا باقی مانده است.»



«اسرائیل اکنون در حال ورود به فصل انتخابات است؛ مساله‌ای که مخاطرات سیاسی این نارضایتی را دوچندان می‌کند. سندیامبر یا اکتبر آتاریخ دقیق آن هنوز تعیین نشده» اسرائیلی‌ها تصمیم خواهند گرفت آیا بنیامین نتانیاهو،